

# سرمایه اجتماعی ایرانیان

اکبر احمدی\*

## مقدمه

انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به پدیده‌ای به نام جامعه شکل می‌دهند. آنها با یکدیگر یک محیط انسانی با تمامیت ساخت‌های روان‌شناختی و اجتماعی-فرهنگی آن بوجود می‌آورند. درست همچنانکه ممکن نیست انسان در انزوا رشد کند، همچنین غیر محتمل است که انسان در انزوا محیطی انسانی بوجود آورد. انسان منزوی همچون حیوان است. به محض اینکه کسی شایسته پدیده‌هایی می‌شود که بطور خاص انسانی هستند او به قلمرو اجتماع وارد می‌گردد. انسانیت خاص انسان و اجتماعی بودن او بطور لاینفکی در هم تنیده شده‌اند (Berger, Luckmann, ۱۹۶۶). برای حفظ این پدیده به مجموعه‌ای از عوامل نیاز است که باید در تعاملات اجتماعی اعضای جامعه وجود داشته باشد. این مجموعه عوامل از ابتدای شکل‌گیری دانش‌های اجتماعی، مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه اجتماعی بوده است. مشارکت و همکاری، انسجام و هم‌نوایی، اعتماد و عقلانیت و مفاهیمی از این دست را می‌توان در چهارچوب این مجموعه جای داد که از قدیمی بودن مفهوم سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن نیز حکایت

دارد. اما به‌رحال در طول دهه‌های گذشته، توجهات به مفهوم سرمایه اجتماعی معطوف گشته و با کار جین یاکوبس (۱۹۶۱)، پیر بوردیو (۱۹۸۳)، جیمز کلن (۱۹۸۸) و رابرت پاتنم (۲۰۰۰، ۱۹۹۳) اهمیت یافته است. (Smith, ۲۰۰۷)

در مقاله حاضر ابتدا سعی شده است تاریخچه‌ای مختصر و همچنین برخی تعاریف از مفهوم سرمایه اجتماعی ارائه شود. اولین استفاده از این مفهوم توسط دیوئی در سال ۱۸۹۹ و پس از او فردی به نام هنیفن در سال ۱۹۱۶ و سپس جین یاکوبس در دهه ۱۹۶۰ بوده است. سپس پیر بوردیو که منشاء سرمایه اجتماعی را در سرمایه اقتصادی می‌داند اما آن را به سرمایه اقتصادی تقلیل نمی‌دهد. دیدگاه‌های کلن، پورتز، فوکویاما و دیگران نیز بطور بسیار مختصر مورد اشاره قرار می‌گیرد. اما چشم‌انداز نظری رابرت پاتنم به عنوان یکی از صاحب‌نظران اصلی در پردازش این مفهوم، بیش از سایرین مورد توجه قرار خواهد گرفت. در بخش دیگری از بحث به کارکردهای منفی سرمایه اجتماعی که به انشقاق گروهی می‌انجامد پرداخته شده است. همچنین بطور بسیار مختصر به شیوه اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

انسان منزوی  
همچون حیوان است. به  
محض اینکه  
کسی شایسته  
پدیده‌هایی می‌شود  
که بطور خاص  
انسانی هستند  
او به قلمرو اجتماع وارد  
می‌گردد.  
انسانیت خاص انسان و  
اجتماعی بودن او  
بطور لاینفکی در هم  
تنیده شده‌اند

توجه شده است و در نهایت وضعیت سرمایه اجتماعی در جامعه ایران با عنایت به نتایج حاصل از سه پژوهش ملی که در سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۹ انجام شده است مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

### سرمایه اجتماعی

مفهومی که تحت عنوان سرمایه اجتماعی مطرح شده است از تاریخی بسیار طولانی برخوردار است. متفکرینی که رابطه بین زندگی انجمنی و دموکراسی را بررسی می‌کردند و مفاهیم مشابهی را مرتباً در قرن نوزدهم استفاده می‌نمودند به کار نویسندگانی همچون جیمز مدیسون و آلکسی دو توکویل (دموکراسی در آمریکا) کشیده می‌شود که مفاهیم همبستگی و رابطه اجتماعی را در سنت کثرت‌گرا در علوم سیاسی آمریکا به هم می‌پیوستند. جان دیوئی احتمالاً برای نخستین بار در جریان اصلی اندیشه، مستقیماً مفهوم سرمایه اجتماعی را در «مدرسه و جامعه» در سال ۱۸۹۹ بکار برده، اگر چه تعریفی از آن ارائه نداده است.

نخستین کاربرد شناخته شده از مفهوم سرمایه اجتماعی بوسیله ال. جی. هنیفن، مشاور ایالتی مدارس روستایی در ویرجینیای غربی (در آمریکا) بوده است. هنیفن در نوشته‌ای از سال ۱۹۱۶ از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده می‌کند تا توضیح دهد چرا بر اهمیت تعهد جمعی برای مدارس موفق تأکید می‌کند. برای هنیفن، سرمایه اجتماعی اشاره دارد به آن واقعیت‌های ملموسی که اساساً در زندگی روزانه مردم به حساب می‌آیند: یعنی رابطه خوب، همکاری، همدلی و مبادله اجتماعی در بین افراد و خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را می‌سازند... فرد به لحاظ اجتماعی تنها است، اگر خودخواهی‌هایش را رها کند... اگر او با همسایه‌اش ارتباط برقرار کند و آنها با همسایگان دیگر، یک ذخیره سرمایه اجتماعی ایجاد خواهد شد که احتمالاً مستقیماً نیازهای اجتماعی‌اش را ارضاء می‌کند و احتمالاً یک کفایت بالقوه اجتماعی برای بهبود ذاتی شرایط زندگی در کل اجتماع را دربردارد.

این اجتماع به عنوان یک کل، از طریق همکاری همه بخش‌هایش سودمند خواهند بود در حالیکه فرد در مشارکت‌هایش، امتیازات کمک، همدلی و همکاری همسایگانش را خواهد یافت (Putnam, 2000).

در حالیکه جنبه‌های گوناگون این مفهوم از طریق همه حوزه‌های علوم اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است رد استفاده از آن به جین یاکوبس در دهه ۱۹۶۰ می‌رسد. با این حال، او صریحاً واژه سرمایه اجتماعی را تعریف نکرده است اما آن را در مقاله‌ای با اشاره به ارزش شبکه‌ها بکار برده است. عالم علوم سیاسی رابرت سالزبری این واژه را به مثابه یک عنصر انتقادی ساخت گروه منافع در مقاله‌اش در سال ۱۹۶۹ با عنوان «نظریه مبادله گروه‌های منافع» در مجله علوم سیاسی غرب میانه (آمریکا) معرفی کرد.

پیر بوردیو واژه سرمایه اجتماعی را در سال ۱۹۷۲ در «طرح یک نظریه عملگرا» استفاده کرد و آن را چند سال بعد در برابر سرمایه فرهنگی، اقتصادی و نمادی وضوح بخشید (Bourdieu, 1972). او در شکل‌های سرمایه، مفهوم سرمایه را جدای از مفهوم اقتصادی آن که بر مبادلات مادی تأکید دارد شامل شکل‌های غیرمادی و غیراقتصادی سرمایه، بویژه سرمایه فرهنگی و نمادی بسط داده است. او توضیح می‌دهد که چگونه انواع متفاوت سرمایه می‌تواند بدست آید، مبادله شود و به شکل‌های دیگر تبدیل گردد. چون ساختار و توزیع سرمایه همچنین ساختار ذاتی جهان اجتماعی را معرفی می‌کند، بوردیو می‌گوید درکی از شکل‌های متعدد سرمایه، ساختار و کارکردی بودن جهان اجتماعی را توضیح می‌دهد.

بوردیو سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموع منابع واقعی یا بالقوه تعریف می‌کند که با مالکیت یک شبکه بیش و کم پایدار روابط نهادی شده آشنایی و شناخت متقابل مربوطند. نهایتاً بوردیو در بحثش از تغییر شکل‌ها بین گونه‌های متفاوت سرمایه تأیید می‌کند که همه انواع سرمایه می‌توانند از سرمایه اقتصادی سرچشمه بگیرند. بوردیو همچنین اظهار می‌دارد که سرمایه فرهنگی و اجتماعی اساساً در سرمایه اقتصادی ریشه

دارند اما آنها هرگز بطور کامل به یک صورت اقتصادی تقلیل نمی یابند. البته سرمایه اجتماعی و فرهنگی موثر باقی می ماند چون آنها رابطه شان را با سرمایه اقتصادی پنهان می کنند (Hayes, ۲۰۰۷).

جیمز کلمن تعریف ۱۹۷۷ گلن لوری در توسعه و انتشار مفهوم سرمایه اجتماعی را پذیرفت (Loury, ۱۹۷۷) کلمن در سال های اخیر، حوزه کاربرد واژه سرمایه اجتماعی را گسترش داده است. بنظر او سرمایه اجتماعی یک کالای عمومی بوده و بنابراین کمتر بوسیله فعالان خصوصی تعامل در بازار، بوجود می آید (۱۹۸۸). کلمن، سرمایه اجتماعی را به لحاظ کارکردی به مثابه تنوعی از هستی ها با دو عنصر مشترک تعریف می کند: آن ها از بعد ساختار اجتماعی ترکیب می شوند و کنش های معین کنشگران را در ساختار مزبور آسان می کنند. یعنی سرمایه اجتماعی چیزی است که کنش فردی یا جمعی را که از طریق شبکه های روابط، همکاری متقابل، اعتماد و هنجارهای اجتماعی ایجاد شده، آسان می کند (Portes, ۱۹۹۸).

از نظر آلخاندرو پورتز سرمایه اجتماعی به روابط درون و بین شبکه های اجتماعی اشاره دارد و یک مفهوم مهم در تجارت، علوم اقتصادی، رفتار سازمانی، علوم سیاسی، بهداشت عمومی، جامعه شناسی و مدیریت منابع طبیعی است. اگرچه در واقع تنوعی از تعاریف مرتبط با هم از این مفهوم وجود دارد که به عنوان چیزی تعریف شده است که درمان عام مشکلات جامعه مدرن است (۱۹۹۸).

فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان یک مجموعه معین از ارزش ها یا هنجارهای غیررسمی مشترک در میان اعضای یک گروه توصیف می کند که به همکاری بین آنان کمک می کند (۱۹۹۹). از نظر فوکویاما در حالیکه تعدادی تعاریف متفاوت برای سرمایه اجتماعی ارائه شده است بسیاری از آنها بیشتر به مظاهر سرمایه اجتماعی اشاره کرده اند تا خود سرمایه اجتماعی. سرمایه اجتماعی یک هنجار غیررسمی است که همکاری بین دو فرد یا بیشتر را افزایش می دهد. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند می توانند از

یک هنجار همکاری متقابل بین دو دوست، تا هر شیوهی مطابق با آموزه های پیچیده و ماهرانه ساخته شده مثل مسیحیت یا کنفوسیانیسم، رتبه بندی شوند. آنها باید در یک رابطه انسانی عملی متجلی شوند: هنجار همکاری متقابل در رفتارهایمان با همه مردم وجود دارد، اما فقط در رفتارهایمان با دوستانمان عملی می شود. با این تعریف، اعتماد، شبکه های اجتماعی، جامعه مدنی و مانند آن که با سرمایه اجتماعی مرتبط بوده است همه پدیده های ثانوی منتج از سرمایه اجتماعی اند اما خود سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی دهند.

نه فقط هر دسته از هنجارهای ظاهر شده، سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند، آن ها باید به همکاری در گروه ها منجر شوند و بنابراین به فضایل سنتی مثل صداقت، حفظ تعهدات، انجام قابل اعتماد وظایف، همکاری متقابل و امثالهم مربوطند (Fukuyama, ۱۹۹۹).

پاتریک هانوت در بنیان سرمایه اجتماعی اشاره کرده است که سرمایه اجتماعی، مجموعه ای از نگرش ها و تمایلات ذهنی است که به همکاری در جامعه کمک می کند و همچنین روح جمعی را آماده می نماید.

نپیت و گاشل در بررسی شان درباره نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه فکری، پیشنهاد می کنند که سرمایه اجتماعی باید براساس سه شاخص بررسی شود: ساختاری، ارتباطی و شناختی. از نظر کارلوس گارسیا تیمن، ابعاد ساختاری سرمایه اجتماعی به توانایی فردی برای ایجاد پیوندهای ضعیف و قوی با دیگران در یک نظام مربوط است. تفاوت های بین پیوندهای ضعیف و قوی بوسیله گرانووتر توضیح داده شده است (۱۹۷۳). بعد ارتباطی بر ویژگی ارتباط بین افراد متمرکز است. این بعد از طریق اعتماد دیگران و همکاری شان و هویتی که یک فرد در یک شبکه اجتماعی دارد به بهترین وجه مشخص می شود. هزلتن و کنان بعد سوم را اضافه می کنند که بعد اخباری است. اخبار برای دسترسی و بکارگیری سرمایه اجتماعی از طریق مبادله اطلاعات، تشخیص مشکلات و راه حل ها و مدیریت تضاد مورد

پاتریک هانوت  
در بنیان سرمایه  
اجتماعی اشاره  
کرده است که  
سرمایه اجتماعی،  
مجموعه ای  
از نگرش ها و  
تمایلات ذهنی  
است که به  
همکاری در جامعه  
کمک می کند و  
همچنین روح  
جمعی را آماده  
می نماید

در اواخر دهه ۱۹۶۰  
مفهوم سرمایه اجتماعی  
شهرت یافت،

تحت یک

برنامه پژوهشی  
توسط بانک جهانی

بکار گرفته شد و

موضوع اصلی

کتاب‌های بسیاری در

جریان اصلی اندیشه،

شامل «بازی یک نفره»

رابرت پاتنم

گردید

نیاز است (۲۰۰۰). اخبار مهم حداقل در زمینه مشترک  
بین بخش‌هایی که چنین مبادلاتی دارند مورد نیاز است  
(Boisot, ۱۹۹۵, Bonald & Tensaki, ۱۹۹۵).

### دیدگاه رابرت پاتنم

در اواخر دهه ۱۹۶۰ مفهوم سرمایه اجتماعی شهرت  
یافت، تحت یک برنامه پژوهشی توسط بانک جهانی بکار  
گرفته شد و موضوع اصلی کتاب‌های بسیاری در جریان  
اصلی اندیشه، شامل «بازی یک نفره» رابرت پاتنم گردید.  
یکی از پیچیده‌ترین مطالعات فضیلت مدنی در علم  
سیاست در سال‌های اخیر بوسیله پاتنم و همکارانش در  
کتاب کار مبتنی بر دموکراسی بوده (۱۹۹۳) که علاقه  
اصلی‌شان، بررسی رابطه اقتصاد مدرن و فعالیت نهادی بوده  
است. چیزی که آنان در بررسی‌شان از سنت‌های مدنی در

بودند. آنان می‌دانستند که یک مرز روشن می‌تواند  
بین مناطق مدنی و غیرمدنی کشیده شود و اینکه  
موضوعات عمومی بطور موفقیت‌آمیزتر از قبل تنظیم  
شوند (Putnam, ۱۹۹۳). نتیجه‌گیری او این بود که  
دموکراسی‌ها (و نظام‌های اقتصادی) زمانی بهتر کار  
می‌کنند که یک سنت تعهد مدنی مستقل و با دوام در  
کار باشد (Beem, ۱۹۹۹).

بی‌شک مکانیسم‌هایی که از طریق آن‌ها تعهد مدنی  
و ارتباط اجتماعی، نتایجی همچون مدارس بهتر، توسعه  
اقتصادی سریعتر، جرائم کمتر و دولت موثرتر بوجود  
می‌آورند متعدد و موثرند. در حالیکه این‌ها بطور مختصر  
یافته‌ها را شرح می‌دهند نیاز به تایید و شاید اصلاح  
بیشتر دارند. عالمان اجتماعی در حوزه‌های زیادی اخیراً  
چارچوبی مشترک برای فهم این پدیده‌ها ارائه داده‌اند،  
چارچوبی که به مفهوم سرمایه اجتماعی متکی است  
(Granovetter, ۱۹۸۵, Coleman, ۱۹۹۰). در قیاس

با مفاهیم سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی- ابزارها و  
آموزش که تولید فردی را افزایش می‌دهد- سرمایه  
اجتماعی به ترکیب سازمان اجتماعی همچون شبکه‌های  
اجتماعی، هنجارها و اعتماد اجتماعی که هماهنگی و  
همکاری برای منافع متقابل را آسان می‌کند، اشاره دارد.  
به دلایل متعدد، زندگی در یک جامعه با یک ذخیره  
واقعی سرمایه اجتماعی با خوشبختی همراه است. اولاً  
شبکه‌های تعهد مدنی، هنجارهای قدرتمند متقابل  
تعمیم یافته را ترویج می‌کنند و اعتماد اجتماعی را  
موجب می‌گردند. شبکه‌های مزبور، هماهنگی و ارتباط  
را آسان می‌کنند، اعتبارها را افزایش می‌دهند و بنابراین  
اجازه می‌دهند ابهام‌های کنش جمعی رفع شود. وقتی  
گفتمان‌های اقتصادی و سیاسی در شبکه‌های قوی کنش  
متقابل اجتماعی صورت می‌گیرد زمینه‌های فرصت‌طلبی  
کاهش می‌یابد. ضمناً شبکه‌های تعهد مدنی، موفقیت‌های  
گذشته در همکاری را که می‌توانند به عنوان یک معیار  
فرهنگی برای همکاری آینده کمک کنند را پدیدار  
می‌سازند. نهایتاً شبکه‌های قوی کنش متقابل احتمالاً  
احساس مشترک خود، توسعه «من» در «ما» را گسترش  
می‌دهند یا (به بیان نظریه پردازان انتخاب عقلانی) میل  
مشترک برای منافع جمعی را افزایش می‌دهند.



ایتالیای مدرن کشف کردند یک رابطه قوی در بین فعالیت  
نهادهای سیاسی و ویژگی زندگی مدنی بود- چیزی که  
جامعه مدنی نامیدند (Putnam, ۱۹۹۳). جماعت‌های  
مزبور از طریق شاخص‌های زیر شناخته می‌شدند:

تعهد مدنی

برابری سیاسی

انسجام، اعتماد و مدارا

زندگی سازمان یافته اجتماعی

بنابراین رابرت پاتنم و همکارانش قادر به طرح این  
موضوعات با یک رشته از داده‌ها از مناطق متفاوت ایتالیا

فضیلت مدنی  
زمانی که تا  
اندازه‌ای در  
شبکه روابط  
اجتماعی متقابل  
محصور شده  
بسیار قدرتمندتر  
است. یک جامعه  
بسیار اخلاقی اما  
با افراد منزوی  
ضرورتاً از سرمایه  
اجتماعی پرمایه‌ای  
برخوردار نیست

مدرن مهم است و شرط اساسی ثبات دموکراسی لیبرال است. سرمایه اجتماعی، عنصر فرهنگی جوامع مدرن را تشکیل می‌دهد که از جهات دیگر از دوره روشنگری براساس نهادهای رسمی، قواعد حقوقی و عقلانیت سازمان یافته است (Fukuyama, 1999).

بحثی کاربردی در این زمینه هست که چگونه سرمایه اجتماعی احتمالاً همیشه برای جامعه به عنوان یک کل، سودمند نیست (اگرچه همیشه یک دارایی برای افراد و گروه‌های مرتبط با آن است). گفته شده شبکه‌های همسطح شهروندان فردی و گروه‌ها که تولید و همبستگی اجتماع را افزایش می‌دهند از سرمایه اجتماعی مثبت برخوردارند در حالیکه دسته‌های تبهکار انحصارگرای مستقل و نظام‌های حمایت سلسله مراتبی که در پیوند مقاصد به منافع اجتماع عمل می‌کنند می‌توانند به مثابه



سرمایه اجتماعی منفی به جامعه تحمیل شوند.

این اخطار داده شده که سرمایه اجتماعی احتمالاً همیشه دارای نتایج مثبت نیست. آلخاندرو پورتز چهار پیامد منفی سرمایه اجتماعی را تشخیص داده است: محرومیت بیگانگان، افزایش مطالبات اعضای گروه، محدودیت آزادی افراد و هنجارهای ضعیف (1998). بدون کارکرد پیونددهندگی سرمایه اجتماعی، مقید کردن گروه‌ها می‌تواند به تجزیه شدن و جدا شدن از بقیه جامعه و مهمتر از آن، جدا شدن از گروه‌هایی که با پیوند دادن باید به نیت افزایش سرمایه اجتماعی کمک

در حالیکه سرمایه فیزیکی به عینیت‌های فیزیکی اشاره دارد و سرمایه انسانی به مهارت‌های افراد اشاره می‌کند، سرمایه اجتماعی به ارتباطات در میان افراد-شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد پذیری اشاره می‌کند که از آن‌ها ناشی می‌شود. از یک جهت سرمایه اجتماعی بطور نزدیکی به چیزی که برخی آن را فضیلت مدنی نامیده‌اند مربوط است. این تفاوت وجود دارد که سرمایه اجتماعی توجه را به این واقعیت جلب می‌کند که فضیلت مدنی زمانی که تا اندازه‌ای در شبکه روابط اجتماعی متقابل محصور شده بسیار قدرتمندتر است. یک جامعه بسیار اخلاقی اما با افراد منزوی ضرورتاً از سرمایه اجتماعی پرمایه‌ای برخوردار نیست (Putnam, 2000).

به بیان دیگر، کنش متقابل، مردم را به ساخت جماعت‌ها، به متعهد نمودنشان به یکدیگر و وحدت ساختار اجتماعی قادر می‌سازد. احساسی از تعلق و تجربه ایجاد شبکه‌های اجتماعی (و روابط مبتنی بر اعتماد و مدارا) می‌تواند منافع زیادی برای مردم به بار آورد.

پاتنم از دو جزء اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی صحبت می‌کند: مقیدکنندگی سرمایه اجتماعی و پیونددهندگی سرمایه اجتماعی که افتخار ابداع آن‌ها را به راس گیتل و آویس ویدال می‌دهد. مقیدکنندگی به ارزش نسبت داده شده به شبکه‌های اجتماعی در بین گروه‌های متجانس مردم اشاره دارد و پیونددهندگی به ارزش منتسب به شبکه‌های اجتماعی در بین گروه‌های به لحاظ اجتماعی نامتجانس اشاره می‌کند. مثال‌های معمولی، گروه‌های تبهکار هستند که سرمایه اجتماعی مقیدکننده را ایجاد می‌کنند، در حالیکه گروه‌های سرود و باشگاه‌های بولینگ (گروه‌های دیگر، که پاتنم از تنزل‌شان اظهار تأسف کرده) سرمایه اجتماعی پیونددهنده را ایجاد می‌کنند.

در حالیکه جنبه‌های زیادی از بحث پاتنم بدون تردید در سال‌های آینده مورد مناظره خواهد بود پیام اصلی یقیناً درست است. کنش متقابل، مردم را به تشکیل اجتماعات، تعهدشان به یکدیگر و بهم پیوستن ساخت اجتماعی قادر می‌سازد.

### کارکردهای منفی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی برای عملکرد کارآمد اقتصادهای



کنند منجر می‌شود. مقیدکنندگی سرمایه اجتماعی یک مقدمه ضروری برای توسعه، شکل قدرتمندتر پیونددهندگی آن است (Bolin, 2004).

احیاء منافع در سرمایه اجتماعی به عنوان یک درمان بومی برای علت مشکلات اجتماعی، امروز مستقیماً به پذیرش این موضوع کشیده می‌شود که این مشکلات در ضعیف شدن جامعه مدنی قرار دارد. با این حال این مفهوم بحث‌های بسیاری از نظریه پردازان را نادیده می‌گیرد که معتقدند سرمایه اجتماعی به محرومیت منتهی می‌شود تا به یک جامعه مدنی قوی تر. بطور جدی از انطباق نامناسب سرمایه اجتماعی به عنوان یک درمان مفروض (رشد سازمان‌های جامعه مدنی و برای مثال NGOها به عنوان شاخص‌های توسعه) برای نابرابری‌های ایجاد شده به وسیله توسعه اقتصادی نئولیبرال انتقاد شده است (Fine, 2001, Harriss, 2001).

شاید دلیلی که سرمایه اجتماعی بطور کمتر آشکاری در مقایسه با سرمایه فیزیکی یا انسانی یک فایده اجتماعی بنظر می‌آید بخاطر آن است که سرمایه اجتماعی به ایجاد بیشتر شیوه سطحی منفی متمایل است تا هریک از دو صورت دیگر سرمایه. این موضوع بدین دلیل است که انسجام گروه در اجتماعات انسانی غالباً با هزینه خصومت با افراد خارج از گروه بوجود می‌آید. بنظر می‌آید یک تمایل انسانی طبیعی برای تقسیم جهان به دوستان و دشمنان باشد که مبنای همه سیاست‌ها است (Fukuyama, 1995).

انسجام درون گروهی، توانایی اعضای گروه را برای همکاری با بیگانگان کاهش می‌دهد و غالباً صفات منفی را به بیگانگان نسبت می‌دهد. برای مثال، در بخش‌های چینی آسیای شرقی و بیشتر آمریکای لاتین، سرمایه اجتماعی بطور وسیعی در خانواده‌ها و یک محفل محدودتر دوستان شخصی قرار دارد (Fukuyama, 1999) برای مردم سخت است که به خارج از این محافل محدود اعتماد کنند.

گروه‌های اجتماعی سنتی همچنین به پیوندهای ضعیف نیز مبتلایند. یعنی افراد بدعت گذار در محدوده شبکه‌های اجتماعی گوناگون جامعه که قادر به حرکت در بین گروه‌ها هستند و بدین وسیله حامل ایده‌ها و اطلاعات نو می‌شوند (Granovetter, 1973).

## اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی

درباره چگونگی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، اجماع وسیعی وجود ندارد که این یکی از ضعف‌های آن است. فرد می‌تواند معمولاً بطور شهودی، میزان سرمایه اجتماعی موجود در یک رابطه را درک کند (بدون توجه به نوع یا مقیاس)، اما اندازه‌گیری آن از بعد کمی تا اندازه‌ای ثابت شده که پیچیده است. سطح همبستگی یک گروه همچنین بر سرمایه اجتماعی اش موثر است. با این حال باز هم روش کمی واقعی تعیین سطح همبستگی وجود ندارد و کاملاً ذهنی است.

رابرت پاتنم به شرح سرمایه اجتماعی بر اساس یک مجموعه شاخص‌های تعهد مدنی شامل رأی‌دادن، مشارکت سیاسی، روزنامه خوانی و مشارکت در انجمن‌های محلی پرداخته است (1995) همچنین آگاهی سیاسی، اعتماد سیاسی و فعالیت سیاسی مورد نظر او بوده است. از نظر پاتنم، اعتماد کمتر، با دیگرخواهی و همکاری جمعی کمتر و دوستان کمتر همراه است (2007). از نظر او سرمایه اجتماعی را می‌توان به وسیله میزان اعتماد و همکاری متقابل در یک اجتماع یا میان افراد اندازه‌گیری کرد.

مهیار عارفی ساختار اجماع را به منزله یک شاخص مثبت مستقیم سرمایه اجتماعی تشخیص می‌دهد. اجماع به منافع مشترک و توافق در میان کنشگران گوناگون و معتمد که موجب کنش جمعی می‌شوند اشاره می‌کند. بنابراین کنش جمعی یک شاخص افزایش سرمایه اجتماعی است (2003).

فوکویاما دو رهیافت کلی را برای اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی در یک جامعه مطرح نموده است: اول، فرآیند یک سرشماری گروه‌ها و عضویت گروه‌ها در یک جامعه معین، و دوم، استفاده از داده‌های پیمایش درباره میزان اعتماد و تعهد مدنی.

## سرمایه اجتماعی در جامعه ما

همانطور که گفته شد پاتنم به مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند که شامل مشارکت در انتخابات، مشارکت سیاسی، مشارکت در انجمن‌های محلی، روزنامه خوانی، حضور در باشگاه‌های ورزشی و غیر آن، آگاهی سیاسی، اعتماد سیاسی، فعالیت

سیاسی، اعتماد بطور کلی، همکاری متقابل می باشد. فوکویاما نیز به تعداد گروه ها و عضویت در آنها و همچنین میزان اعتماد و تعهد مدنی اشاره می کند.

در مقاله حاضر به شاخص هایی همچون مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی توجه شده است که در زیر به مقایسه اطلاعات حاصل از سه پژوهش ملی که در سال های ۱۳۵۳، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۹ انجام شده است، پرداخته می شود.

مفهوم اعتماد در حوزه جامعه شناسی بویژه از جنبه نظری، کمتر مورد بحث قرار گرفته است و همچون سایر جنبه های اساسی و بدیهی فرض شده بسیار زیاد زندگی روزمره، اعتماد بندرت مورد بررسی قرار گرفته است. لغت اعتماد در مکالمات روزمره به شیوه های متفاوتی استفاده می شود و به موضوعات متفاوتی اشاره می کند. به همین نحو سایر بحث های جامعه شناختی و اجتماعی- علمی درباره اعتماد با بی دقتی و ابهام مشخص شده اند که اگرچه در مکالمات روزمره، قابل اغماض است اگر اعتماد به عنوان مفهومی با فایده نظری بکار برده شود، چنین بی دقتی و ابهامی پذیرفتنی نخواهد بود (Cook, 2002).

اعتماد عنصری مهم در ساختار روابط اجتماعی است که از بنیان های متفاوتی در روابط درون گروهی و بیرون گروهی برخوردار می باشد. در روابط درون گروهی، هنجارهای غیررسمی و نظارت گروهی، شالوده اعتماد در کنش متقابل اعضای گروه را تشکیل می دهد و در روابط بیرون گروهی، این کارکرد به وسیله هنجارهای رسمی و نظارت جامعه کل انجام می شود. در ارتباطات درون گروهی، فرد با افراد کمتری در کنش متقابل بسر می برد که معمولاً بین آنان، روابط نزدیک و عاطفی وجود دارد و همین صمیمیت بر وجود و تداوم اعتماد در درون گروه، اثر قاطع دارد. اما محدوده مناسب های اجتماعی در بیرون از گروه خودی و در واقع در سطح جامعه از وسعت بیشتری برخوردار است و از میزان نزدیکی و صمیمیت تماس های اجتماعی در چنین شرایطی کاسته می شود تا حدی که در بسیاری از تعاملات اجتماعی، هیچگونه نشانه ای از رفاقت ها و عطف های که در تماس های درون گروهی، قابل مشاهده است، دیده نمی شود. با افزایش تعداد روابط اجتماعی افراد،

هنجارهای غیررسمی و ارزش های گروهی، دیگر قادر به تنظیم مناسبات اجتماعی در این سطح نمی باشند و اینجاست که مقررات رسمی بر نظام های اجتماعی نظارت می کنند و آن ها را تنظیم می نمایند و بصورت بنیانی برای اعتماد در روابط متقابل در می آیند. در واقع در این سطح از روابط اجتماعی، مبنای اعتماد اجتماعی را نظام های انتزاعی تشکیل می دهند.

دو کارکرد مهم برای اعتماد اجتماعی می توان در نظر گرفت. نخست اینکه در هر دوی نظام های اجتماعی فوق الذکر کارکرد اعتماد، ایجاد احساس امنیت بویژه در وضعیت مخاطره آمیزی است که بطور خاص از شرایط افزایش تعداد کنش های متقابل اجتماعی و در نتیجه،



پیچیدگی اجتماعی در سطح نظام اجتماعی بزرگ، منشاء می گیرد. دومین کارکرد مهم اعتماد، استحکام انسجام اجتماعی است. اعتماد به نظام هنجارها و نظارت آنها بر کنش های اجتماعی موجب می شود افراد در تعاملات اجتماعی، آسوده تر وارد شوند و در نتیجه، تداخل نظام های اجتماعی از طریق کنش های متقابل صورت می گیرد که حاصل این تداخل و پیوستگی نظام های کنش، انسجام اجتماعی است که کارکرد با واسطه وجود اعتماد در جامعه است.

نتایج حاصل از وضعیت اعتماد اجتماعی در سه مطالعه حاکی از آنست که در سال ۱۳۵۳، کمی بیش از نیمی از

پاتنم به  
مجموعه ای از  
شاخص ها برای  
اندازه گیری  
سرمایه اجتماعی  
اشاره می کند که  
شامل مشارکت  
در انتخابات،  
مشارکت سیاسی،  
مشارکت در  
انجمن های محلی،  
روزنامه خوانی،  
حضور در  
باشگاه های  
ورزشی و غیر آن،  
آگاهی سیاسی،  
اعتماد سیاسی،  
فعالیت سیاسی،  
اعتماد بطور کلی،  
همکاری متقابل  
می باشد

در سال ۱۳۷۸  
در پژوهشی پیرامون جنبه‌هایی از حیات دینی مردم در کشور نتایج حاصل شده نشان داد ۳۷/۶ درصد از اعضای نمونه آماری مورد مطالعه به مجالس جشن و سرور مذهبی / مولودی، ۵۰/۲ درصد به روضه و عزاداری، ۱۶/۲ درصد به مجالس سخنرانی دینی، ۲۷/۳ درصد به جلسات دعا، ۲۱/۲ درصد به جلسه قرآن و ۲۷ درصد در نماز جماعت مسجد و حسینیه شرکت می‌نموده‌اند

مردم به یکدیگر اعتماد داشته‌اند (۵۳ درصد) و ۴۵ درصد از اعضای جامعه، دیگران را قابل اعتماد نمی‌دانسته‌اند (اسدی، ۱۳۵۳، ۲۲۱). در سال ۱۳۷۴ دکتر منوچهر محسنی برای سنجش میزان اعتماد مردم به یکدیگر از دو شاخص دورویی و متقلب بودن استفاده کرده است.

جدول (۱) هموطنان ما تا چه حد دورو و متقلب هستند

| موضوع | نگرش | هیچ  | کم   | تاحدودی | زیاد |
|-------|------|------|------|---------|------|
| دورو  | ۹/۸  | ۲۲/۱ | ۳۱/۳ | ۳۴/۷    |      |
| متقلب | ۸/۷  | ۱۹/۶ | ۲۶/۷ | ۴۲/۹    |      |

\* منوچهر محسنی، ۱۳۷۹، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران، صص ۱۵-۳۱۴

۳۴/۷ درصد از اعضای جامعه نمونه، مردم را دورو و ۴۲/۹ درصد از آنان مردم را متقلب دانسته‌اند. اگر پاسخ‌هایی که با گزینه تاحدودی مشخص شده‌اند را نیز به ارقام بالا بیفزاییم ۶۶ درصد از مردم دورو و ۶۹/۶ درصد از آنان متقلب فرض شده‌اند.

در پژوهش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، ۲۸/۸ درصد از اعضای جامعه قابلیت اعتماد به مردم را در حد کم برآورد کرده‌اند و ۵۶/۹ درصد از آنان مردم را تا حدودی قابل اعتماد دانسته‌اند و فقط ۱۴/۳ درصد از اعضای جامعه به میزان زیاد مورد اعتماد فرض شده‌اند (گودرزی، ۱۳۸۲، ۲۶۳).

شاخص دیگری که برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی یک جامعه، مورد توجه پانتم قرار گرفته است همانطور که قبلاً اشاره شد مشارکت در انجمن‌ها است. از نظرگاه پانتم می‌توان دریافت که عمل ساده بهم پیوستن و مرتباً در گروه‌های سازمان یافته درگیر بودن، تأثیری بسیار مهم بر روی سلامت و رفاه فردی دارد. علاقه دائمی به آموزش غیر رسمی از طریق انجمن و کیفیت زندگی در انجمن‌ها می‌تواند کمکی مستقیم و مهم به توسعه شبکه‌های اجتماعی (و روابط مبتنی بر اعتماد و مدارا که معمولاً لازمه آنست) و تقویت دموکراسی بکند (Smith, ۲۰۰۷).

در سال ۱۳۵۳، از اعضای جامعه نمونه ۳ درصد در

انجمن محلی، ۴ درصد در انجمن‌های ورزشی، ۷ درصد در انجمن خانه و مدرسه و ۲ درصد در باشگاه‌ها عضویت داشته‌اند (اسدی، ۱۳۵۳، ۲۱۴).

در سال ۱۳۷۴ میزان عضویت در باشگاه‌های ورزشی به ۲۰/۳ درصد رسیده است. ۹/۵ درصد از اعضای جامعه نمونه در انجمن‌های علمی و فرهنگی و ۲۵/۵ درصد از آنان در انجمن‌های خانه و مدرسه عضویت داشته‌اند (محسنی، ۱۳۷۹، ۱۷۱-۳).

در سال ۱۳۷۹، ۲۵/۹ درصد از اعضای جامعه نمونه حضور انجمن اولیاء و مربیان بوده‌اند، ۲۰ درصد از انجمن‌های خیریه، ۱۱ درصد در انجمن‌های هنری و ادبی، ۲۱/۶ درصد در انجمن‌های ورزشی و تفریحی، ۳ درصد در احزاب و گروه‌های سیاسی، ۱۳/۵ درصد در انجمن‌های علمی، ۳۷/۵ درصد در انجمن‌های مذهبی و ۱۹/۳ درصد در بسیج عضویت داشته‌اند (گودرزی، ۱۳۸۲، ۳۴۱).

در سال ۱۳۷۸ در پژوهشی پیرامون جنبه‌هایی از حیات دینی مردم در کشور نتایج حاصل شده نشان داد ۳۷/۶ درصد از اعضای نمونه آماری مورد مطالعه به مجالس جشن و سرور مذهبی / مولودی، ۵۰/۲ درصد به روضه و عزاداری، ۱۶/۲ درصد به مجالس سخنرانی دینی، ۲۷/۳ درصد به جلسات دعا، ۲۱/۲ درصد به جلسه قرآن و ۲۷ درصد در نماز جماعت مسجد و حسینیه شرکت می‌نموده‌اند (رجب‌زاده، فاضلی، ۱۳۸۰، ۸۵).

پانتم میزان مشارکت سیاسی و یا رأی دادن را به عنوان شاخص سومی به منظور ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار داده است. نتایج حاصل از پژوهش «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» حاکی از آنست که تنها ۳۰ درصد از اعضای جامعه نمونه در آخرین انتخابات (پیش از انقلاب اسلامی) شرکت کرده‌اند (اسدی، ۱۳۵۳، ۲۱۶). اما نتایج تحقیق «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» نشان می‌دهد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶، ۷۶/۴ درصد و در انتخابات مجلس شورای اسلامی ۶۰/۴ درصد از اعضای جامعه نمونه مشارکت داشته‌اند (گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۷۹).





## نتیجه گیری

مفهوم سرمایه اجتماعی، مفهوم جدیدی نیست. رد این مفهوم را با نام های دیگر در مکاتب کلاسیک جامعه شناسی و اندیشه های بزرگان جامعه شناسی و حتی پیشتر از آن از عصر روشنگری می توان پی گرفت. به هر حال این مفهوم از چند دهه گذشته مورد توجه بویژه اندیشمندان غربی قرار گرفته است که شاید باید دلیل آن را در این گفته پانتم یافت که از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۳ میزان حضور مردم آمریکا در مجامعی که در ارتباط با موضوعاتی راجع به شهر و محل زندگی و یا مدارس فرزندان شان بوده است از ۲۲ درصد به ۱۳ درصد کاهش یافته است و تقریباً از تعهد مستقیم آمریکایی ها به مسائل سیاسی و دولت بطور ثابت و شدیدی نسل به نسل کاسته شده است و همچنین میزان اعتماد آنان به دولت و علاقه به حضور در فعالیت های سیاسی کاهش یافته است.

در ایران اگرچه از میزان اعتماد اجتماعی در سطح افقی کاسته شده است اما نتایج تحقیقات حاکی از افزایش میزان اعتماد در سطح عمودی است. مردم به مسائلی که به سرنوشت سیاسی کشور مربوط است علاقه بسیار بیشتری در مقایسه با گذشته (پیش از انقلاب) نشان می دهند. همچنین مقایسه نتایج تحقیقات پیش و پس از انقلاب حاکی از افزایش میزان مشارکت مدنی مردم می باشد. بویژه حضور در انجمن های علمی، هنری و ادبی، ورزشی، خیریه و علاقه به وضعیت و شرایط تحصیل فرزندان از طریق عضویت در انجمن اولیا و مربیان چشمگیر است. بنابراین تناقضی در اینجا آشکار است که به ناهمخوانی ضعف اعتماد افقی و مشارکت مدنی بالا مربوط است که این حاکی از اعتماد به نظام های انتزاعی می باشد که به هر حال سوال مهمی است که به پاسخ نیاز دارد.

## فهرست منابع

- ry: Political Economy and Social Science at the Turn of the Millennium, London: Routledge.
16. Fukuyama, F, 1999, The Great Disruption. Human nature and the reconstitution of Social order, London: Profile Books.
17. Fukuyama, F, 1999, Social Capital and Civil Sociology, The Institute of Public Policy George Mason University.
18. Fukuyama, F, 1995, Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity, New York: Free Press.
19. Granovetter, M, 1985, Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness, American Journal of Sociology, 91.
20. Granovetter, M, 1973, The Strength of Weak Ties, American Journal of Sociology, 78.
21. Harriss, J., 2001, Depoliticizing Development: The World Bank and Social Capital. Leftword/Anthem.
22. Hayes, E., 2007, The Forms of Capital.
23. Hazleton, Vand Kennan, W.R. 2000.
24. Loury, G., 1977, A Dynamic Theory of Racial Income Differences. Lexington, Mass.: Lexington Books.
25. Portes, A., 1998, Social Capital: its origins and applications in modern sociology Annual Review of Sociology, 24.
26. Putnam, R.D., 1993, The prosperous community: social capital and public life, in the American Prospect, 4.
27. Putnam, R.D., 2000, Bowling Alone : America's Declining Social Capital, The Journal of Democracy, 6:1.
28. Putnam, R.D., 2007, Diversity and Community in the Twenty-first Century.
29. Smith, M.K., 2007, Robert Putnam, social capital and civic community.
۱. اسدی، علی، ۱۳۵۳، گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۲. گودرزی، محسن، ۱۳۸۲، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر انتشارات طرح‌های ملی.
۳. محسنی، منوچهر، ۱۳۷۹، بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران، تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
۴. رجب‌زاده، احمد، محمدفاصلی، ۱۳۸۰، بررسی جوانبی از حیات دینی در ۲۸ مرکز استان کشور، نمایه پژوهش، سال پنجم.
5. Arefi, M, 2003, Revisiting the Los Angeles Neighborhood Initiative (LANI): Lessons for Planners.
6. Beem, C, 1999, The Necessity for Politics. Reclaiming American public life, Chicago, University of Chicago Press.
7. Berger, P.L. and T.Luckmann, 1966, The Social Construction of Reality: A Treatise its the Sociology of Knowledge, Garden City, New York, Anchor Books.
8. Boisot, M, 1995, Information space: A framework for learning in organizations, institutions and culture, London ,Routledge.
9. Bolin, B, 2004, Bonling and Bridging: Understanding the Relationship between Social Capital and Civic Action, Journal of Planning Education and Research.
10. Boland and Tensaki, 1995,.; A framework for learning in organizations, institutions and culture, London, Routledge.
11. Bourdieu, P, 1972, Outline of a Theory of Practice.
12. Coleman, J.C. , 1988, Social capital in the creation of human capital, American Journal of Sociology, 94.
13. Coleman, J.C., 1990, Foundations of Social Theory, Cambridge, Mass.: Harvard University Press.
14. Cook, Clarissa, 2002, The Transformation of Trust? Exploring the Utility of Trust as a Social Scientific Concept, The International Journal of Healt Sociology: Policy, Promotion Equity and Practice.
15. Fine, B., 2001, Social Capital versus Social Theo-